

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مهران زنگنه
۲۶ اکتوبر ۲۰۱۸

قتل خاشقجی، نمایش مضحک یک قتل سیاسی بر صحنه وارونه جهان

معرفی بازیگران اصلی:

خاشقجی، مقتول: در یک خانواده آریستوکرات متولد شده است که رابطه تنگاتنگ با خاندان آل سعود داشته است. پدر بزرگش پزشک مخصوص شاه عربستان «بنیانگذار» دولت نئوکولونیال عربستان بوده و عمویش دلال عمده اسلحه و از سازماندهندگان ایران-کنترا. دیگر افراد فامیلش، مثل الفایده و غیره نیز در همین سطوح اند. خود او با اسامه بن لادن به مدرسه می‌رفته است، به او می‌توان به عنوان یکی از هم‌زمان اولیه بن لادن در جنگ مجاهدین در افغانستان نگریست که توسط سازمان سیا در چارچوب ستراتیژی «دام خرس» علیه روسیه سازمان یافته بود. (در عکس خاشقجی در میان مجاهدین دیده می‌شود).^۱ او به عنوان مشاور با ترکی الفیصل وزیر سابق اطلاعات عربستان سعودی^۲ همکاری می‌کرده است. حتی گفته می‌شود به احتمال زیاد در زمان ترکی الفیصل برای این وزارتخانه کار اطلاعاتی نموده است.^۳



در جوانی به اخوان المسلمین پیوسته است که در دوران جنگ سرد غرب و دولت نئوکولونیال عربستان استفاده ابزارگرایانه از آن علیه بلوک شرق و «ناسیونالیسم عرب» به خصوص در مصر، سوریه و جنبش فلسطین می‌کرده‌اند و امروز البته با توجه به فروپاشی بلوک شرق و «اضمحلال»

^۱ منبع عکس:

<https://twitter.com/pspoole/status/1050804806997151745>

^۲ ترکی الفیصل به واسطه اعلام مرگ مسعود رجوی در یکی از جلسات مجاهدین و خبر تأیید نشده ازدواج مریم رجوی با او، و به اعتبار نقش او در ستراتیژی نئوکولونیال «تغییر رژیم» امریکا در ایران منجمله از طریق این سازمان نیز بین ایرانیان مشهور است.

^۳ <https://www.youtube.com/watch?v=DKLFCTiR3XQ>

نسبی ناسیونالیسم عرب از نقطه نظر غرب دیگر فعلاً نیازی بدان نیست.

اما با این سابقه درخشان در همکاری با رژیم عربستان و پیشبرد ستراتیژی امریکا در منطقه چرا باید خاشقجی کشته شود؟

محمد بن سلمان ولیعهد عربستان، قاتل: می‌توان گفت در داخل رژیم نئوکولونیال عربستان تا پیش از ظهور این فرد و تعیین او به عنوان ولیعهد، علی رغم وجود سلسله مراتب، خاندان آل سعود در کل حاکم بوده است. «همرانی» در کل این خاندان مانع ظهور شکاف در میان حکام و بنابراین به عنوان مکانیسمی برای تداوم رژیم عمل می‌کرده است. بر بستر فساد حاکم بر این خاندان وجه غالب در شیوه تولید «همرانی» خرید «مخالفین» و تولید مراکز صوری قدرت و توزیع آنان بین خیل پرنس‌ها بوده است.

انتخاب محمد بن سلمان به عنوان ولیعهد، به «سیستم» حاکمیت خاندان که بر اساس آن می‌بایست محمد بن نائف (ولیعهد سابق) به پادشاهی عربستان برسد، «پایان» داد یا بهتر است گفته شود، قرار بوده است پایان دهد. در شرایط فعلی در عربستان دیگر نمی‌توان به طور قطعی از حاکمیت آل سعود حرف زد، بلکه می‌باید از حاکمیت آل سلمان و یا حداقل از دوران گذار از یکی به دیگری حرف زد که با این اتفاق دچار اختلال شده است. این تغییر (گفته می‌شود) به همت ترامپ و کوشنر صورت گرفته است⁴ که احتمالاً، برای تحقق عملی «معامله قرن» و پایان دادن به مسأله فلسطین بر اساس طرح رژیم آپارتاید اسرائیل چنین تغییری را ضروری دیده‌اند، ضرورتی که شاید بتوان آن را بر بستر مخالفت توده‌های عرب و بخشی از حکام عرب حاکم بر منطقه، ترکیه اردوخان و بالاخره حکومت ایران با طرح و پیش‌بینی اتحادهای جدید در سطح منطقه در صورت اجرای آن توضیح داد.

گفته می‌شود کوشنر در سرکوب اعضای خاندان آل سعود با دادن اطلاعات به محمد بن سلمان با او همکاری می‌کرده است و حتی در طراحی دستگیری و سرکیسه کردن شاهزادگان عربستان در گذشته نیز نقشی داشته است.⁵

در واقع «رفرمی» که با «اجازه» رانندگی زنان، سینما و اجازه تماشای مسابقات ورزشی توسط زنان در سطح اجتماعی به عنوان آزادی با حمایت و کمک تبلیغاتی رسانه‌های غربی به خورد جهان داده شد، در وجه سیاسی چیزی نبود و نیست جز تغییر در تناسب قواء در سطح حاکمیت در عربستان و تبدیل آن به حکومت مطلقه فردی. لویی چهارده به شکل بدل مسخره‌ای، محمد بن سلمان، سر از گور برآورده است و دوباره، البته این بار به عربی، می‌گوید: قانون منم. (در این جمله چکیده رفرم سیاسی در عربستان را می‌توان دید.) مسخره بودن چنین گفته‌ای همچون عنوان شاه شاهان در رژیم کودتا و نئوکولونیال پهلوی در یک رژیم نئوکولونیال مثل عربستان که ترامپ و جارد کوشنر علنی اعلام کرده‌اند: «مردشان را به قدرت رساندند»⁶ و به بیان دیگر ولیعهد را تعیین کرده‌اند نیاز به توضیح ندارد. از آن مضحک‌تر نسبت دادن لفظ اصلاحات به این روند در نشریاتی است که اینک مقتول را بدل به سمبل ژورنالیسم انتقادی کرده‌اند.

⁴ <https://www.middleeastmonitor.com/20181023-the-true-saudi-story/>

⁵ <https://medium.com/s/story/two-princes-kushner-khashoggi-and-the-kingdoms-mbs-567c8cd4e1c5>

ریچارد اسپنسر (نویسنده تایمز) حتی فراتر می‌رود، و از امکان دخالت اسرائیل در قتل خاشقجی حرف می‌زند.

<https://www.middleeastmonitor.com/20181011-the-disappearance-of-jamal-khashoggi-and-the-israel-saudi-alliance/>

⁶ به نقل از:

<https://www.middleeastmonitor.com/20181023-the-true-saudi-story/>

شکاف در هیأت حاکمه (خاندان آل سعود) با این دستگیری‌ها، شکنجه و قتل برخی (ظاهراً در «تصادفات») به اوج خود رسید. شکافی که نمی‌توان آن را بسادگی مرمت کرد. بر بستر این شکاف بی سابقه در هیأت حاکمه مسأله قتل و یا ربودن و بازگرداندن خاشقجی به عربستان معنا پیدا می‌کند. ابتداء به ساکن با ابوخالده، پروفیسور عرب من جمله متخصص عربستان، می‌توان گفت که خاشقجی فقط در این شکاف سمت غلط را انتخاب کرده است.⁷

خاشقجی (مبلغ رژیم سعودی به هیأت روزنامه نگار) که پس از مرگش توسط برخی از رسانه‌های غربی، به همان سیاق که سان سوچی سمبل صلح و حقوق بشر در برمه شد، بدل به سمبل روزنامه‌نگاری انتقادی شد⁸، هیچ‌گاه مخالفتی با رژیم عربستان در کل نداشته است و به عنوان مشاور با خاندان آل سعود همکاری می‌کرده است. خود او هیچ‌گاه خود را جزئی از اپوزیسیون عربستان ندانسته است و اصرار داشته است بگوید به اپوزیسیون تعلق ندارد.⁹

کل مواضع «ناسازگار» خاشقجی در مقایسه با مواضع محمد بن سلمان، اگر اصولاً بتوان آنان را ناسازگار تلقی کرد، عبارتند از: نیازی به «زندانی» کردن رهبران عرب (مثل بن طلال و صدر حریری که به گفته خود خاشقجی حامی رژیم نیز هستند) نبوده است یا او از امکان ادغام جنبش مردمی خواهان دموکراسی (در بهار عرب)، و اسلام سیاسی (من جمله اخوان المسلمین) در سیستم و جلب آنان به عنوان حامی بن سلمان گفته است.¹⁰ طبعاً موضع او در مورد فلسطین که تا پیش از ولیعهدی محمد بن سلمان و پیوستن عربستان به معامله قرن یعنی پذیرفتن خواست اسرائیل با موضع رسمی این کشور تفاوت جدی نداشت اهمیت ویژه‌ای دارد.

بدین ترتیب خاشقجی، که در زمان حیاتش مبلغ اسلام سیاسی (از ایده‌های سلفی گرفته تا جریان راست اخوان المسلمین به سبک قطر، ترکیه) بوده است، در چارچوب تحکیم استبداد اسلامی-سلفی-فردی قربانی شد. «نیرنگ عقل» (هگل) گویا می‌خواهد معنائی به مرگش ببخشد که مقتول از آن اجتناب می‌کرده است. صرفنظر از تأثیری که مرگ خاشقجی در افکار عمومی (به خصوص در عربستان) می‌تواند به جا نهد، این قتل می‌تواند، اگر منجر به کنار گذاشتن قاتل بشود، معامله قرن اسرائیل را به خطر بیفکند، و از طریق پیوند خوردن آن با انتخابات میان دوره‌ای در امریکا و در نتیجه تأثیر آن بر تناسب قواء در امریکا نتایج فراملی داشته باشد.

خاشقجی، در مرگش احتمالاً آغاز پایان محمد بن سلمان را بشارت می‌دهد، اگر جانشینی برای او پیدا بشود که با امریکا هماهنگی بدون قید شرط داشته باشد و یا راه را برای بازگشت آل سعود چون گذشته باز کند. برادر کوچکتر او خالد

⁷ <https://www.youtube.com/watch?v=zRG8IA3v0sg>

⁸ برای اطلاع از سوابق روزنامه‌نگاران کاشقجی به ویدئوی زیر و به گفتار اسد ابوخالده توجه شود: در این گفتار ابوخالده به نقش خاشقجی در دستگاه تبلیغاتی عربستان، همکاری او با پرنس‌های مختلف و نشریات آنان و بدل شدن به مرجع رسانه‌های اصلی طرفدار غرب در مورد عربستان اشاره دارد.

<https://www.youtube.com/watch?v=zRG8IA3v0sg>

⁹ در آخرین مصاحبه‌هایش نیز حرفش همین بوده است:

https://www.democracynow.org/2018/10/23/rula_jebreal_my_secret_interview_with?utm_source=Democracy+Now%21&utm_campaign=0b7aacbb6c-Daily_Digest_COPY_01&utm_medium=email&utm_term=0_fa2346a853-0b7aacbb6c-192212673

¹⁰ بر گرفته از ویدئوی زیر که جزء آخرین مصاحبه‌های خاشقجی است و گفته می‌شود علت باواسطه قتل است:

<https://www.youtube.com/watch?v=3s3A27EgoXw>

گویا برای ایفای نقش در این نمایش مسخره کاندید شده و خاندان آل سعود ظاهراً می‌خواهد به رؤیای حاکم فردی محمد بن سلمان پایان دهد.^{۱۱}

ترمپ: در واقع این انتخابات میان دوره‌ای در امریکا است که باعث شد قتل خاشقجی ابعادی بین‌المللی بیابد، در غیر این صورت مسأله حداکثر در سطح منطقه می‌ماند. برای حزب دموکرات مرگ خاشقجی، نه قتل یک انسان، بلکه جلب آراء مردم معنا می‌دهد. دستگاه‌های تبلیغاتی این حزب و مخالفان ترمپ به کار افتاده‌اند و امر روزمره (قتل سیاسی) در عربستان را به واسطه ربط ترمپ-کوشنر (و بنابراین حزب جمهوریخواه) با محمد بن سلمان بدل به امری ویژه کرده‌اند و موضوع کارزار انتخاباتی. در ابتداء روزنامه نگاران و تحلیل‌گران جبهه ترمپ به میدان آمدند تا نشان دهند که تا سوابق خاشقجی چیستند و به نوعی، به طور ضمنی، قتل را «مشروع» جلوه دهند. به خاشقجی نسبت ضد یهود و غیره داده شد.^{۱۲} اما تناسب قوای شکننده ترمپ و حزب جمهوریخواه را وادار کرد برای عقب نیفتادن از قافله به همسرایان بپیوندند و محمد بن سلمان را به زیر سؤال ببرند.

ترمپ (شخصیت دیگر مضحک در این نمایش) که گویا زبان دیپلماسی (زبان رایج در نمایش‌های وارونه) را هنوز یاد نگرفته است، گفته است که از قرار چند صد میلیاردی به خاطر این اتفاق نمی‌گذرد، البته احتمالاً به او گفته‌اند، به رسم رایج در نمایش وارونه بگوید، و او گفته است نه به خاطر سود شرکت‌ها و صنایع اسلحه سازی بلکه به خاطر کارگران و کارمندی که از قبل کار در صنعت آدمکشی نان می‌خورند، از این قرارداد نمی‌گذرد و آن را به خطر نمی‌اندازد. اما منوخین (وزیر مالیه) که گفته بود ممکن است به «داووس صحرا» نرود، گویا وزیر نتانیاهو است و نه ترمپ، پس از ملاقات با نتانیاهو اعلام کرد در این جلسات شرکت می‌کند.

آیا محمد بن سلمان رفتنی است؟ مارتین ایندیک (سفیر سابق امریکا در اسرائیل) در واقع نارضایتی بخشی از رژیم امریکا را در مورد او دقیق صورتبندی کرده است: «مسأله این است که تحت محمد بن سلمان، عربستان سعودی بدل به یک شریک غیر قابل اتکاء شده است که به نظر می‌رسد هر حرکتش بیشتر به ایران کمک می‌کند تا مانعی برای آن باشد. [مثل] دخالت در یمن...»^{۱۳} به گفته او مثال‌های محاصره اقتصادی قطر، دستگیری حریری، دستگیری اعضای خاندان سلطنتی و را می‌توان افزود. با این کارنامه و شکست‌های پیاپی عربستان در مقابله با ایران، فقط یک امر مانع از تغییرات ناگهانی در عربستان است: تحریم‌های ایران و نقش عربستان و اوپک در این تحریم‌ها.

به سؤال فوق، اگر ایران مسأله مرکزی امریکا در منطقه نبود، می‌شد با قطعیت پاسخ داد و گفت محمد بن سلمان رفتنی است. اما در شرایطی که چند هفته دیگر تحریم‌های ایران شروع می‌شوند، و استحکام جبهه ضد ایرانی را نمی‌توان به خطر افکند، قاتل، محمد بن سلمان، شاید به بقایش ادامه بدهد. در این حالت او مدیون وجود دشمن خویش است.

¹¹ <https://www.zerohedge.com/news/2018-10-19/saudi-allegiance-council-meeting-secret-consider-mbs-replacement-report>

¹² <https://townhall.com/columnists/larryprovost/2018/10/24/khashoggi-writings-reveal-antisemitism-pro-shariaism-n2531301>

<https://slate.com/news-and-politics/2018/10/new-republican-line-jamal-khashoggi-was-no-angel.html>

¹³ https://twitter.com/Martin_Indyk/status/1053810956214636544

یا نگاه شود به ویدئو زیر:

https://www.youtube.com/watch?v=vTL0QSO_I0Q

عناصر مسخره دیگر این نمایش: اردوخان که خود دست کمی از محمد بن سلمان ندارد قرار است در این نمایش نقش «روشنگر» را ایفاء کند و از آن خنده‌دارتر: قاتل، محمد بن سلمان، که گفته می‌شود لحظاتی قبل از قتل با مقتول تلفونی صحبت کرده است¹⁴، توسط پدرش به رئیس هیأتی منصوب شده است که قرار است قاتلان را به جزای اعمال برساند.

این نمایش مسخره هنوز ادامه دارد و معلوم نیست به کجا ختم می‌شود. مشخص است اما که «روح» خاشقجی در مرکز کابوس هر شب خاندان آل سلمان قرار دارد. چرخش آن بر فراز کاخ‌های عربستان احتمالاً فقط اما تا زمانی ادامه پیدا خواهد کرد، که بین دموکرات‌ها و جمهوریخواهان امریکا بر سر محمد بن سلمان توافق صورت بگیرد و انتخابات در امریکا چگونه پایان یابد.

این نمایش مسخره اما یکبار دیگر به عنصر تراژیک زمانه اشاره دارد: «یک برابر یک نیست» (گلسرخی). امروزه در جهان انسان باید «مزدور» باشد تا اعتراض به قتلش جهانگیر شود و نه کودک یمنی.

¹⁴ <https://www.news.com.au/world/middle-east/new-bombshell-in-jamal-khashoggi-murder-implicates-crown-prince/news-story/538bdec086f0c4e833f33b2c5464c7de>